

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با جان مولن*

فرستنده: عثمان حیدری

۰۷ دسمبر ۲۰۱۸

مکرون و «شورش جلیقه زردها»: گزارش از پاریس



۱- می‌توانید جنبش «جلیقه زردها» را که هم اکنون در فرانسه در جریان است به اختصار توضیح دهید؟

دو هفته پیش، با انتشار آنلاین یک فراخوان در محکومیت افزایش مالیات بر بنزین و گازوئیل از اول جنوری، شبکه گسترده ای از شهروندانی که کارد به استخوان‌شان رسیده است ورودی‌های بزرگراه‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و جایگاه‌های فروش بنزین را بستند. در هفدهم نومبر در سراسر کشور بیش از ۱۵۰ هزار نفر در بیش از ۲۰۰۰ تظاهرات و راهپندان شرکت کردند.

در لحظه نگارش این سطور هنوز تعداد زیادی راهپندان وجود دارد، و ایستگاه‌های اخذ عوارض بزرگراه‌ها اشغال شده اند و خودروها می‌توانند به طور رایگان عبور کنند، و فراخوان بیش از یک میلیون امضاء جمع کرده است. «جلیقه زردها» از یک ماه مه ۶۸ جدید می‌گویند.

تظاهرات سراسری که برای شنبه ۲۴ نومبر برنامه‌ریزی شده بود از تجمع در جائی که پولیس برای آن در نظر گرفته بود امتناع کرد و ترجیح داد در شانزلیزه به سمت کاخ ریاست جمهوری راهپیمائی کند. آتش زدن سنگرها در شانزلیزه بدین معنی است که اعتراض در سراسر جهان در صدر اخبار خواهد بود.

در فرانسه همهٔ رانندگان باید در خودرو خود یک جلیقه نیم‌تنه زرد داشته باشند تا در صورت وقوع تصادف از آن به مثابهٔ یک نماد استفاده کنند. تظاهرکنندگان برای نشان دادن اولویت‌های ویژهٔ خود بر روی جلیقه‌ها شعار می‌نویسند.

بیش از سه چهارم جمعیت اکنون از اعتراضات حمایت می‌کند (۹۵ درصد در میان هواداران چپ رادیکال، ۵۶ درصد از مدیران، ۸۳ درصد از کارگران یدی و کارمندان رده‌های پائین، حتی ۵۹ درصد از کسانی که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری به مکرون رأی دادند، و حدود ۹۵ درصد کسانی که به لو پن رأی دادند). میزان محبوبیت رئیس‌جمهور که پیش از این بسیار پائین بود در نازل‌ترین سطح است.

مکرون ترسیده است. او مجبور شد به مثابهٔ واکنش به جنبش جدید یک سخنرانی مهم پیرامون بوم‌شناسی ایراد کند. او اعلام کرد که رهبران سیاسی به اندازهٔ کافی به مردم گوش نداده‌اند، و امتیازات کوچکی داد، وعده داد اگر قیمت نفت در بازار جهانی دوباره افزایش یابد، مالیات بر سوخت را کاهش دهد. او از عقب‌نشینی در مورد افزایش مالیات در جنوری امتناع کرد، و ۸۰ درصد شهروندانی که به سخنرانی او گوش دادند در یک نظرسنجی گفتند که متقاعد نشدند.

ادوار فیلیپ، نخست‌وزیر، گفت او آماده است با نمایندگان «جلیقه زدها» در روز جمعه ملاقات کند، و در عین حال تأکید کرد که حداقل دستمزد افزایش نخواهد یافت.

۲- در نگاه نخست، اعتراض برای بنزین ارزان‌تر تا اندازه‌ای یک کارزار افشار میانی، و احتمالاً یک کارزار ضد محیط زیست به نظر می‌رسد. مالیات‌های جدید بر چه کسانی تأثیر می‌گذارند و چه کسانی معترض‌اند؟

اگر قرار باشد افشار میانی برای منافع خود و علیه منافع سرمایه بزرگ بسیج شوند، طبیعتاً ضروری است که ما از آن‌ها حمایت کنیم، اما در واقع فعال‌ترین افراد، کسانی که رامبندان‌ها را اداره می‌کنند، عموماً از طبقهٔ کارگر، از شهرهای کوچک‌تر هستند، بسیاری از آن‌ها بازنشسته‌اند، اکثر آن‌ها تازه وارد فعالیت سیاسی شده‌اند. صاحبان مشاغل آزاد و دیگر شرکت‌کنندگان «افشار میانی» نیز حضور دارند.

درست مانند جنبش «ایستاده در شب» (Nuit Debout) سال گذشته که جوانان بسیاری را در شهرهای بزرگ در درون یک جنبش اعتراضی فاقد ساختار به حرکت درآورد، جنبش جلیقه زردها نیز لایه‌های جدیدی را دوباره علیه مکرون بسیج می‌کند.

افزایش مالیات بر سوخت جرعهٔ جنبش بود. فعالان چپ نمی‌توانند تعیین کنند چه موضوعی به جنبش جرعه خواهد زد. درک این مهم است که ما راجع به مالیات‌ها بر فروش صحبت می‌کنیم. این مالیات‌ها از نظر اجتماعی ناعادلانه‌ترین مالیات‌ها می‌باشند زیرا درصد بسیار بالایی از درآمد بخش‌های فقیرتر جمعیت را نمایندگی می‌کنند. به این دلیل است که در اکثر کشورهای اروپائی طی ۵۰ سال گذشته، دولت‌های نولیبرال مالیات بر درآمد را (که یک نظام از نظر اجتماعی منصفانه‌تری است) کاهش داده و مالیات بر فروش را افزایش داده‌اند.

در فرانسه، مکرون اخیراً مالیات بر ثروت را که فقط ثروتمندان می‌پرداختند لغو کرد و در عین حال مالیات بر مزایای بازنشستگی همهٔ شهروندان را افزایش داد. اعلام مالیات بیش‌تر بر سوخت، «به خاطر محیط زیست» کاردی بود که به استخوان بسیاری خورد.

چیزی که این را وخیم‌تر کرد انتشار اسناد داخلی دولت بود که با کلمات بسیار می‌گوید «قرار نیست «مالیات‌های محیط زیست» برای اهداف مرتبط با محیط زیست به کار گرفته شود، بلکه قصد این است که کاهش مالیات ثروتمندان را جبران کند.

این اعتراض علیه فقر فزاینده است. در این جنبش فاقد ساختار، شعارها و مطالبات بسیاری مطرح شده است، اما رایج‌ترین آن‌ها عبارتند از: «مکرون باید استعفاء دهد»، «همه مالیات‌های فروش را کاهش دهید»، «حداقل دستمزد را افزایش دهید»، یک فراخوان برای تشکیل «مجلس مؤسسان» و افزایش استفاده از همپرسی در زندگی سیاسی.

این ادعای مکرون که افزایش مالیات بر سوخت به دلایل محیط زیستی بوده، به ویژه رقت انگیز است زیرا او به بستن خطوط راه آهن محلی ادامه می‌دهد (قرار است بزودی ۸۰۰۰ کیلومتر تعطیل شوند)، و سرسختانه بودجه دولت‌های محلی و منطقه‌ای را که حمل‌ونقل عمومی را اداره می‌کنند کاهش می‌دهد.

او همچنین لغو برنامه‌های مسکن اجتماعی را، که به کارگران کم درآمد امکان می‌دهد نزدیک به محل کار خود زندگی کنند، سازماندهی می‌کند. در عین حال، شرکت‌های بزرگ نفتی مالیات کمی می‌پردازند و سوخت هواپیما از مالیات بر ارزش افزوده و در واقع از هر نوع مالیاتی معاف است!

۳- برخی‌ها در خارج از فرانسه معتقد اند که فرانسوی‌ها همه وقت اعتراض می‌کنند. آیا این حقیقت دارد؟ اگر چنین است، آیا این‌بار چیز متفاوتی وجود دارد؟

خوب، ما گاهی اوقات سر کار می‌رویم. از شوخی گذشته، من مفتخرم که بگویم در فرانسه مردمی که زیر عرابه حداکثر کردن منفعت در فشار اند و له می‌شوند دست روی دست نمی‌گذارند. به این دلیل است که علی‌رغم حملات بسیار، چون ما همیشه اعتراض می‌کنیم، شرایط کار، حمایت و مزایای کار، کمتر از دیگر کشورهای مشابه عقب‌گرد داشته اند. تبدیل اعتراض به انقلاب پرش کلیدی در اروپای قرن بیست‌ویکم است.

۴- تا چندی پیش از امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به مثابه ناجی سرمایه‌داری فرانسه تجید می‌شد. چه اتفاق افتاده است؟

بسیاری از هواداران سرمایه‌داری فرانسه سبک مغز هستند، و ظاهر تر و تمیز و چرب زبانی مکرون را نشانه‌های خوش‌بینی به شانس واقعی برای نجات سرمایه‌داری فرانسه برای حداکثر کردن منافع، از طریق بسیج یک «حس همگانی جدید» «نه راست نه چپ» تلقی می‌کردند. اما آن‌ها روحیه شورشی فرانسوی را از یاد برده بودند.

مکرون به دلیل سقوط نیروهای سنتی سوسیال دموکراسی و راست گلیست رئیس‌جمهور شد. او با وجود این‌که در دور نخست انتخابات ریاست جمهوری فقط ۲۴ درصد آراء را بدست آورده بود توانست به اندازه کافی موش‌هائی را جمع کند که از کشتی‌های در حال غرق چپ و راست برای تشکیل یک حزب جدید و کسب اکثریت در پارلمان فرار می‌کردند.

حملات نولیبرالی به مدت بیش از ۳۰ سال، البته آهسته تر از کشورهائی مانند بریتانیا، سطح زندگی کارگران را به میزان قابل توجهی پائین آورده است. روسای فرانسه برای شتاب بخشیدن به نولیبرالیسم تقلا می‌کنند. دانشگاه هنوز تقریباً رایگان است، فقر در میان بازنشستگان و بیکاران هنوز کمتر از بریتانیا است و شرایط کارگران پیمانی هنوز خیلی بهتر است. هم دولت‌های چپ و هم دولت‌های راست، با وجود این‌که مزایای بازنشستگی را کاهش دادند و حقوق سندیکائی را تضعیف کردند، نتوانستند به میزان کافی دور و سریع بروند و رؤسا را راضی کنند.

ماکرون یکی از آخرین کارت‌های رؤسا است. به این دلیل بود که او توانست در بهار گذشته در برابر اعتصاب طولانی و نیرومند کارگران راه‌آهن پیروز شود: رؤسا با وجود این‌که پول زیادی در روند اعتصاب از دست دادند، آماه بودند در حالی‌که ماکرون پایان اعتصاب را انتظار می‌کشید از او حمایت کنند. رؤسا نسبت به دولت‌های پیشین صبر کمتری نشان می‌دادند.

۵- افراد بسیاری از حضور راست افراطی در این اعتراضات نگران اند. برخی‌ها می‌گویند چپ اصولاً نباید شرکت کند. نظر شما درباره این استدالات چیست؟

اگر شما اعتراضی دارید که از زحمتکشان تشکیل می‌شود که از شهرهای به ویژه کوچک تازه وارد سیاست شده اند، افراد راست افراطی نیز در میان آن‌ها وجود خواهند داشت. لو پین، نامزد فاشیست، سال گذشته در انتخابات ریاست جمهوری ده و نیم میلیون رأی به دست آورد. این افراد در هر جنبش بزرگی وجود دارند. البته، نگرانی چپ از این قابل درک است، اما لازم نیست امروز در فرانسه موضوع مناظره باشد، خودداری از شرکت در یک جنبش به این دلیل که افراد راست افراطی در آن درگیر اند به معنای دست برداشتن از کل تغییر اجتماعی توده‌ای است. بالعکس، ما باید به کسانی که به راست افراطی رأی داده اند نشان دهیم که لو پین و خانواده میلیونر او دروغگو و متقلب هستند.

لو پین و برخی دیگر از چهره‌های راست افراطی حمایت از «جلیقه زردها» را اعلام کرده اند، اما حمایت آن‌ها بزودی، هنگامی که مطالبات طبقه کارگر به وضوح وارد شود، متوقف خواهد شد. راست افراطی در میان سرمایه‌داران کوچک نفوذ قابل توجهی دارد، و آن‌ها از افزایش حداقل دستمزد و امثال آن حمایت نخواهند کرد. درباره نفوذ راست افراطی در جنبش غلو می‌شود: این مبالغه به سود ماکرون است. وزرای او گفته اند «این جنبش راست افراطی است»، و نتیجه گرفتند که حمایت از ماکرون تنها راه مقابله با فاشیسم است! فعالان راست افراطی در چند جا از جنبش بیرون انداخته شدند و در جاهای دیگر (در جایی که من زندگی می‌کنم) افراد «فرانسه تسلیم ناپذیر» و دیگر گروه‌های چپ در میان سازمان‌دهندگان قرار دارند. جنبش بسیار متنوع است. در میان صدها نفری که شنبه گذشته در پاریس بازداشت شدند، هیچ فعالی از هیچ حزبی وجود نداشت.

۶- از وجود رفتارهای سکسیست و نژادپرستانه در اعتراضات صحبت می‌شود. آیا این حقیقت دارد و واکنش مردم چیست؟

بله، این درست است. صدها راه‌بندان و چندین مورد تکان‌دهنده از نژادپرستی و سکسیسم گزارش شده است. در یک مورد، معترضان مهاجران غیرقانونی را که در یک کامیون پنهان شده بودند تحویل پولیس دادند. هیچ یک از این‌ها در یک چنین جامعه نژادپرست و سکسیستی تعجب‌آور نیست. واکنش چپ نباید عدم حمایت از جنبش جلیقه زردها یا چشم بستن بر موارد نژادپرستانه باشد.

پاسخ‌های سالمی به نژادپرستی وجود داشته است. یک سخنگوی جنبش که به «تجمع ملی» (Rassemblement National) («جبهه ملی» سابق) نزدیک بود بیرون انداخته شد. یکی از سخنگویانی که برای صحبت با وزیر محیط زیست دعوت شده بود یک زن سیاه‌پوست بود، و برخی از سازمان‌دهندگان رادیکال سیاه‌پوست از حومه پاریس خواهان پیوستن به اعتراضات جلیقه زردها در ۱ دسمبر در پاریس شده اند.

در مون‌پلیه، تظاهرات جلیقه زردها با اشتیاق از یک تظاهرات بزرگ فمینیستی علیه خشونت جنسی که تصادفاً در همان روز برگزار می‌شد، استقبال کرد. زمانی که مردم وارد عمل شوند راحت‌تر می‌توان ایده‌های نژادپرستانه و سکسیست را چالش کرد و تغییر داد.

۷- در عین حال، گزارش‌هایی از مشارکت شمار زیادی از زنان در اعتراضات وجود دارد. اگر این‌طور است، ممکن است توضیح دهید چرا؟

طی بیش از ۳۰ سال گذشته، مشارکت زنان در رهبری همه نوع جنبش‌های اجتماعی- چه جنبش‌ها برای خدمات عمومی، یا برای شرایط کار بهتر، علیه بیگانه‌هراسی، برای حقوق آوارگان و غیره- افزایش یافته است. جنبش‌های دانشجویی اخیر به ویژه شمار زیادی از زنان را در رهبری خود دیده‌اند. همه این‌ها نتیجه دهه‌ها مبارزه برای احترام به زنان فعال سیاسی است. لذا، تعجب آور نیست که زنان در این جنبش جدید حضور زیادی دارند.

۸- به نظر می‌رسد معترضان در این لحظه قاطعانه احزاب را رد می‌کنند. واکنش احزاب چپ، مانند سازمان خود شما- «فرانسه تسلیم ناپذیر»- چگونه بوده است؟

رد احزاب به هیچ وجه شبیه رد آن‌ها در برخی از دیگر جنبش‌ها نیست: خصومت علنی نسبت به فعالان حزبی وجود ندارد، گرچه اکثر رهبران محلی جلیقه زردها خواهند گفت «ما حزب سیاسی نیستیم»، و تظاهرکنندگان اغلب مانع وجود علائم و پلاکارت‌های سیاسی می‌شوند.

«فرانسه تسلیم ناپذیر» یک حزب نیست، بلکه یک جنبش سیاسی است (با همه مزایا و معایبی که یک جنبش دارد). رهبری «فرانسه تسلیم ناپذیر» مانند دیگر گروه‌بندی‌های چپ رادیکال از قبیل «حزب جدید ضدسرمایه‌داری» ابتداء در ارتباط با جنبش محتاط بود، تا این‌که جنبش تدریجاً نیرو گرفت و نوع مطالبات درگیر روشن‌تر شد. در نتیجه، با گذشت چند هفته، گفتمان از «این اعتراضات خشم موجه را نشان می‌دهند» به «امیدواریم پیروز شود» و «اعضای ما باید به آن بپیوندند» تغییر کرد. کنفدراسیون سندیکائی اصلی- «ث. ژ. ت»- نیز مسیر مشابهی را طی کرد.

۹- فدراسیون سندیکائی «ث. ژ. ت» اکنون طی فراخوانی روز ۱ دسمبر را روز عمل اعلام کرده است. دلیل این کار آن‌ها چیست و تأثیر این بر مبارزه چه خواهد بود؟

رهبری «ث. ژ. ت» می‌بیند که فقر فزاینده یک مسئله طبقاتی است، و این‌که محبوبیت «جلیقه زردها» بسیار بالاست. خوشبختانه، آن‌ها به جای هورا کشیدن از کنار میدان، خواهان تظاهرات بزرگ شده‌اند. «جلیقه زردها» نیز این روز را روز عمل اعلام کرده‌اند.

در پاریس، «جلیقه زردها» احتمالاً در بخشی جدای از بخش تظاهرات سندیکا تجمع خواهند کرد، اما در شماری از شهرک‌ها پیوستگی این‌ها محتمل است. به عنوان مثال، در اورلئان و در کرس، نمایندگان «جلیقه زردها» و «ث. ژ. ت» منطقه تصمیم گرفتند تظاهرات مشترک برگزار کنند.

۱۰- جنبش برای حفظ حرکت خود و به دست آوردن اصلاحات مهم چه کار باید بکند؟

وضعیت هر روز تغییر می‌کند. این نوع جنبش سریع ظهور می‌کند و سریع نیز ناپدید می‌شود. مشخصاً شعارهای کارگری، مانند افزایش حداقل دستمزد، هر چه بیشتر مطرح شوند، بهتر خواهد بود و تظاهرات مشترک نیز کمک خواهد کرد.

پالایشگاه‌های نفت این هفته برای دستمزد بیشتر در اعتصاب اند، نتیجتاً در آنجا نیز پیوستگی محتمل است. اگر کاهش مالیات‌ها (که به وضوح تعریف نشده) خواست مرکزی باشد، این می‌تواند مشکل‌زا باشد زیرا مکرون در «کاهش مالیات» به سود ثروتمندان بسیار مهارت دارد و می‌تواند از این به مثابه دستاویزی برای کاهش خدمات عمومی استفاده کند.

اشاره به شرایط ویژه در «قلمروهای ورای ابحار فرانسه» در جزیره رئونیون و اقیانوس هند، که ۴۰ درصد جمعیت آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند نیز مهم است. جنبش «جلیقه زردها» در آنجا عملاً به یک شورش، و بسیار ژرف‌تر و گسترده‌تر از خود فرانسه مبدل شده است.

جنبش در آنجا هم‌اکنون سه سال عدم افزایش در مالیات سوخت، و پول بیشتر برای خدمات عمومی را به دست آورده است، وزیر «قلمروهای ورای ابحار فرانسه» به امید آرام کردن وضعیت به جزیره پرواز کرد.

***جان مولن یک فعال ضدسرمایه‌داری است که از دهه ۱۹۸۰ در منطقه پاریس زندگی می‌کند. او هوادار «فرانسه تسلیم ناپذیر» است.**

https://theleftberlin.wordpress.com/current-debates/macron-and-the-yellow-vest-revolt-report-from-paris/?fbclid=IwAR1bD-X1PClyKvuT8_6Rg05nDgW2J-j7oEOz7EFefAUy13Sl6jbNiArfiUs

منبع: کلوب بین‌الملل حزب «چپ» در برلین
تارنگاشت عدالت